

فشار مضاعف زندگی، پیامد اصلی طلاق در زنان: یک مطالعه کیفی

اشرف عسکری باغمیانی^۱، سید رضا جوادیان^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: ازدواج، یکی از وقایع مهم حیاتی است که از نظر اجتماعی به عنوان پیوندی باثبات بین زن و مرد شناخته می‌شود. گاهی ازدواج به دلایلی، دوام چندانی نمی‌یابد و به طلاق منجر می‌گردد. بیشتر زنان مطلقه پس از جدایی، تمایلی به ازدواج مجدد ندارند که این موضوع مشکلات و پیامدهای بسیاری را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی مشکلات و پیامدهای طلاق انجام شد.

روش: این مطالعه از نوع کیفی با راهبرد تئوری زمینه‌ای بود. جامعه مورد بررسی را زنان مطلقه ۲۰ تا ۴۵ ساله تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر یزد تشکیل داد که از بین آن‌ها، ۲۵ شرکت کننده به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با روش مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری شد که با موافقت مشارکت کنندگان، ضبط و بازنویسی و تحلیل گردید.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به ایجاد ۲۷ مفهوم و ۱۰ مقوله اصلی شامل «درآمد پایین و مشکلات مالی»، «اشتغال مداوم»، «احساس تنهایی و انزواطلبی»، «محدود شدن روابط»، «مزاحمت دیگران در محیط کار و جامعه»، «پیشنهاد‌های دوستی و ازدواج موقت»، «سرزنش و اعتراض خانواده به رفتارها»، «فشار خانواده به ازدواج مجدد»، «خلأ عاطفی پدر»، «عدم رسیدگی به تربیت فرزندان» شد. مقوله «فشار مضاعف زندگی» نیز به عنوان مقوله هسته‌ای ظهور یافت.

نتیجه‌گیری: عدم ازدواج زنان مطلقه و تنها زندگی کردن آن‌ها، مشکلات و پیامدهای زیادی را به وجود می‌آورد. این مشکلات مانند حلقه‌های زن‌جیر همدیگر را تقویت می‌کند و زنان را تحت فشار مضاعفی در زندگی خود قرار می‌دهد. بنابراین، بازسازی روانی، اجتماعی و اقتصادی زنان مطلقه و سوق دادن آنان به ازدواج مجدد، در جهت کاهش پیامدهای عدم ازدواج، پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه‌ها: پیامد، مشکل، طلاق، زنان، ازدواج مجدد

ارجاع: عسکری باغمیانی اشرف، جوادیان سید رضا. فشار مضاعف زندگی، پیامد اصلی طلاق در زنان: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۶؛ ۶ (۴): ۴۳۶-۴۲۷.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مشاوره و راهنمایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران

۲- استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

Email: javadian@yazd.ac.ir

نویسنده مسؤول: سید رضا جوادیان

مقدمه

ازدواج از نظر اجتماعی به عنوان پیوندی باثبات بین زن و مرد شناخته می‌شود که در بستر خانواده و هم‌زمان با آن دچار تغییر و تحولات عمیقی در تمامی ابعاد شده است. ازدواج علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی و ارتباطات اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم می‌کند (۱). در امر ازدواج و تشکیل خانواده در جوامع گوناگون، اهداف و انگیزه‌های متعددی مطرح می‌باشد که به طور عمده می‌توان به میل به داشتن فرزند، عوامل اجتماعی، نیاز اقتصادی و عشق اشاره کرد. این عوامل در دوره‌های مختلف متغیر بوده است. در جوامع مختلف، علل اقتصادی و اجتماعی مهم‌ترین عوامل تلقی می‌شوند و در تمدن‌های قدیم، زاد و ولد و در تمدن‌های امروزی نیز عشق و محبت اهمیت بیشتری یافته است. امروزه در ایران، ماهیت و اشکال ازدواج و به طور کلی، الگوی همسرگزینی و نظام خانواده دچار تغییراتی شده است. ازدواج‌های ناموفق و طلاق‌های زود هنگام و افزایش توقعات برای آغاز زندگی، تغییر در نگرش افراد و انتظاراتی که از زندگی مشترک دارند، از جمله مهم‌ترین پیامدهای تغییرات مذکور می‌باشد (۲).

طلاق و جدایی، مهم‌ترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است. طلاق در لغت به معنی رها شدن از عقد نکاح و پدیده‌ای است قراردادی که به زن و مرد امکان می‌دهد تا تحت شرایطی پیوند زناشویی را بگسلند و از یکدیگر جدا شوند (۳). به همان میزان که طلاق در زندگی خانوادگی رو به افزایش است، آثار و پیامدهای آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامتی افراد جامعه را تهدید می‌کند. در این میان، می‌توان به پیامدهای طلاق بر زنان مطلقه اشاره نمود. طلاق و فروپاشی زندگی، منجر به بر هم خوردن تعادل روانی-عاطفی افراد خانواده می‌گردد و از آنجا که استرس بسیار شدیدی محسوب می‌شود، ابتلا به اختلالات روانی به خصوص در زنان که ظرافت عاطفی صفت شاخص تشکیل دهنده شخصیت آنان می‌باشد، امری بسیار محتمل است (۴).

امروزه تعداد زنانی که همسران خود را بر اثر طلاق از

دست داده‌اند و مجبور هستند به تنهایی مسؤولیت فرزندان را بر عهده بگیرند، رو به افزایش است. این زنان به دلیل فشارهای اجتماعی و اقتصادی، احساس درماندگی می‌نمایند و با وجود برخی حمایت‌های مالی دولتی و غیر دولتی، اغلب زندگی محدود و دردناکی دارند و ویژگی‌های منفی زندگی‌شان، موجب عدم احساس شادی و افسردگی آنان می‌گردد (۵). کمیته امداد امام خمینی (ره)، یکی از نهادهایی است که با هدف توانمندسازی زنان تحت سرپرستی، فعالیت‌های گسترده‌ای از جمله آموزش علمی، فنی و مهارتی، اعطای وام اشتغال، فراهم نمودن زمینه ازدواج مجدد زنان مطلقه و... را انجام می‌دهد. با وجود این تلاش‌ها و حمایت‌ها، برخی از زنان مطلقه تمایلی به برنامه‌های توانمندسازی و به خصوص ازدواج مجدد ندارند.

با وجود قبول اهمیت غیر قابل انکاری که پیمایش و کارهای آماری می‌تواند داشته باشد، اما به نظر می‌رسد که تاکنون لااقل در کشور ما، کمتر از زاویه نزدیکی به این زنان و مسایل‌شان پرداخته شده است. صادقی فسایی و ایثاری در مطالعه خود گزارش کردند که طلاق برای زنان پیامدهای متعددی در حیطه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی، جنسی، ارتباطی و فرزندان به همراه دارد (۶). همچنین، Kavas که تجربیات ۳۱ زن مطلقه در ترکیه را با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه مبنایی بررسی کرد، به این نتیجه رسید که طلاق باعث مشکلات اقتصادی و اجتماعی برای زنان می‌شود (۷). بنابراین، مشخص می‌گردد که در تحقیقات مذکور (۶، ۷) به جزییات پیامدها یا مشکلات اشاره‌ای نشده است.

در زمینه طلاق و پیامدهای آن، پژوهش‌های کیفی می‌تواند به روشن کردن بخش‌هایی از زوایای پنهان مشکلات و پیامدهایی که به دلیل طلاق و عدم ازدواج این زنان به وجود می‌آید، بپردازد. بنابراین، پژوهش حاضر بیش از هر چیز به دنبال بررسی و شناسایی این مشکلات بود.

روش

در این تحقیق، از راهبرد نظریه زمینه‌ای که نوعی روش پژوهش کیفی است و به وسیله آن، با استفاده از داده‌ها

طول مصاحبه، مکالمات با اجازه و میل مصاحبه شوندگان به منظور بررسی دقیق اطلاعات ضبط گردید. تحلیل داده‌ها بعد از اولین مصاحبه انجام شد و منجر به تولید مفاهیم و ایجاد سؤالات جدید و در نتیجه، کسب اطلاعات بیشتر گردید. این فرایند به صورت چرخه‌ای و تا نقطه اشباع داده‌ها ادامه یافت. لازم به ذکر است که اشباع نظری پس از مصاحبه با ۱۵ نفر حاصل شد، اما جهت اطمینان بیشتر، ۱۰ مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت که تجزیه و تحلیل آن‌ها باعث ایجاد کد مفهومی جدیدی نگردید.

در تحقیق حاضر، اطلاعات از طریق کدگذاری باز (شامل روند خرد کردن، مقایسه کردن و مقوله‌بندی داده‌ها)، کدگذاری محوری (مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله متصل شد) و کدگذاری گزینشی (در این مرحله مقولاتی که برای ساختن چارچوب نظری اولیه تنظیم شده است، با یکدیگر ترکیب گردید) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به عبارت دیگر، در کدگذاری باز مفاهیم اولیه، در کدگذاری محوری کدهای استخراج شده تحت مقوله‌ها یا عناوین فراگیر و در کدگذاری انتخابی نیز مقوله هسته‌ای استخراج شد. بدین منظور، ابتدا کدگذاری متن آغاز گردید. سپس برچسبی به متن مصاحبه داده شد. در گام بعدی، همه برچسب‌ها یا مقولاتی که به نحوی شبیه هم بود، حول یک محور قرار گرفت.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۲۵ زن مطلقه با دامنه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال شرکت نمودند. یک سوم آن‌ها کمتر از ۳۵ سال داشتند. تحصیلات مشارکت کنندگان بین مقطع ابتدایی تا کارشناسی متغیر بود. بر اساس جدول ۱، ۷۲ درصد زنان علت طلاقشان را اعتیاد شوهر و ۲۸ درصد بقیه علت را مواردی همچون بی‌علاقگی به همسر، خشونت همسر، ازدواج دوم و تفاوت سنی زیاد بیان کردند. ۶۸ درصد زنان دارای یک فرزند و بقیه دارای ۲ و ۳ فرزند بودند. ۴۴ درصد کمتر از ۵ سال، ۲۸ درصد بین ۵ تا ۱۰ و ۳۱ درصد بیشتر از ۱۰ سال با همسر سابقشان زندگی کرده بودند.

نظریه‌ای تکوین می‌یابد، استفاده شد. رسیدن به این هدف، نیازمند فنونی است که به کمک آن بتوان داده‌های جمع‌آوری شده را سازماندهی، تنظیم و تحلیل کرد و به ارایه نظریه مبتنی بر واقعیت داده‌ها دست یافت. این نوع نظریه را نظریه داده بنیاد (زمینه‌ای) می‌نامند (۸). این شیوه بر استفاده از مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی تأکید دارد و همچنین، به عرضه الگوی منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه درحال تکوین می‌پردازد. به کار بردن این سه حالت کدگذاری، حاکی از آن است که پژوهشگران از طریق معین به تکوین نظریه می‌پردازند (۹، ۱۰).

افراد مورد مطالعه شامل زنان مطلقه ۲۰ تا ۴۵ ساله تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر یزد بودند که با وجود داشتن شرایط ازدواج، تمایلی به ازدواج مجدد نداشتند. علت انتخاب این زنان، برخوردار نبودن آنان از حمایت‌های اقتصادی خانواده و اقوام خود بود. با توجه به مفروضات اساسی و زیربنایی رویکرد کیفی در پژوهش، تعداد نمونه پیش از اجرای تحقیق تعیین نشد و فرایند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که نوعی اشباع اطلاعاتی حاصل شود؛ بدین معنی که در جریان مصاحبه اطلاعات جدیدتری از داده‌ها استخراج نگردد. اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در یک مرحله از کار به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست یافته است (۱۱). به طور کلی، هدف از انتخاب یک مورد یا موارد در پژوهش کیفی، فهم عمیق‌تر پدیده‌های مورد بررسی و در اغلب موارد، کشف نظریه‌ها است و نه تعمیم از نمونه به جامعه. این نوع نمونه‌گیری را هدفمند می‌نامند.

در مطالعه حاضر بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نیز معیار اشباع نظری، ۲۵ زن مطلقه مورد مصاحبه قرار گرفتند. قبل از مصاحبه، با زنانی که معیارهای ورود به مطالعه مانند داشتن شرایط سنی، جسمی و روحی ازدواج، عدم میل به ازدواج مجدد و همچنین، تمایل به شرکت در مصاحبه را داشتند، در زمینه موضوع مصاحبه، زمان و مکان آن هماهنگی لازم انجام شد. افراد مصاحبه شونده در پاسخگویی به سؤالات آزاد بودند و مصاحبه در مکان امن و راحتی صورت گرفت. در

جدول ۱. مشخصات شرکت کنندگان مطالعه

سن (سال)	تحصیلات	علت طلاق	مدت زمان طلاق (سال)	تعداد فرزندان	مدت زمان زندگی مشترک (سال)	مدت زمان تحت پوشش (سال)
۳۲	راهنمایی	ازدواج مجدد همسر و تفاوت سنی زیاد	۳	۱	۲	۳
۴۴	ابتدایی	ازدواج مجدد و اعتیاد	۸	۳	۱۰	۵
۴۳	دیپلم	اعتیاد و فروش مواد مخدر	۶	۱	۲۰	۳
۳۲	ابتدایی	اعتیاد به شیشه	۳	۱	۴	۴
۳۵	ابتدایی	مشکلات ذهنی همسر	۱۲	۱	۳	۵
۲۷	راهنمایی	مخالفت خانواده شوهر	۲	۱	۲	۴
۳۰	دیپلم	عدم علاقه به همسر	۱۰	-	۱	۳
۳۰	کاردانی	اعتیاد و زندانی بودن همسر	۴	۱	۵	۴
۳۲	ابتدایی	اعتیاد همسر	۱	۱	۷	۳
۳۲	ابتدایی	عدم تفاهم	۶	۳	۱۱	۷
۳۲	ابتدایی	اعتیاد همسر	۲	۱	۱۳	۳
۴۰	ابتدایی	اعتیاد همسر	۳	۳	۱۰	۴
۳۷	دیپلم	اعتیاد همسر	۲	۲	۱۲	۱
۲۸	کارشناسی	ازدواج مجدد همسر و اعتیاد	۱	۱	۱۳	۲
۴۴	دیپلم	خیانت همسر، عدم تفاهم	۵	۲	۱۰	۵
۳۳	کارشناسی	اعتیاد	۸	۱	۲	۲
۲۸	ابتدایی	اعتیاد	۵	-	۱۰	۱
۲۳	دیپلم	خشونت همسر	۱	۲	۶	۳
۲۲	ابتدایی	تفاوت سنی، تفاوت فرهنگی	۴	۱	۲	۳
۳۰	دیپلم	اعتیاد	۲	۱	۶	۲
۳۶	دیپلم	اعتیاد	۳	۲	۷	۲
۳۳	ابتدایی	اعتیاد همسر	۴	۱	۲	۶
۲۳	کارشناسی	عدم علاقه به همسر	۶	-	۱	۱
۳۲	ابتدایی	اعتیاد	۲	۲	۱	۳
۳۱	دیپلم	اعتیاد	۳	۱	۱۰	۲

اعتراض خانواده به رفتارها، فشار خانواده به ازدواج مجدد، خلأ عاطفی پدر و عدم رسیدگی به تربیت فرزندان»، زنان را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود؛ به حدی که بیشتر اوقات احساس درماندگی، عجز و ناتوانی می‌کردند.

درآمد پایین و مشکلات مالی: مسأله اقتصادی، در واقع مهم‌ترین مسأله‌ای است که زنان سرپرست خانوار در زندگی روزمره خود با آن مواجه هستند و قدرت و فشار این مسأله به حدی است که گاهی سایر افراد، زنان سرپرست خانوار را با این مسأله می‌شناسند. این مسأله با بالا رفتن تعداد افراد تحت تکفل، حادتر می‌شود. کمترین مواجهه با چنین امری را می‌توان نزد زنان سرپرست خانوارهای تک نفره یافت.

داده‌های حاصل از مصاحبه، با روش کدگذاری نظری تجزیه و تحلیل شد. در مرحله کدگذاری باز، ۲۴ مفهوم (کد)، در مرحله کدگذاری محوری ۱۰ مقوله (طبقه) و در مرحله کدگذاری گزینشی نیز ۱ مقوله هسته به دست آمد.

مفاهیم و مقولات جدول ۲ در واقع منعکس کننده فشارهای روانی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از زندگی تجردی زنان مطلقه بود که در مجموع، می‌توان به فشار مضاعف زندگی تعبیر و تفسیر کرد. این فشار مضاعف زندگی در قالب «درآمد پایین و مشکلات مالی، اشتغال مداوم، احساس تنهایی و انزوایی، محدود شدن روابط، مزاحمت دیگران در محیط کار و جامعه، پیشنهادهای دوستی و ازدواج موقت، سرزنش و

جدول ۲. مفاهیم و مقولات استخراج شده مربوط به فشار مضاعف زندگی پیامد اصلی طلاق زنان

مقاله (طبقه)	مفاهیم (کدها)
درآمد پایین و مشکلات مالی	درآمد پایین، مشکلات اقتصادی، تأمین مخارج توسط دیگران، ناتوانی در تأمین مخارج فرزند، ناتوانی در تأمین مخارج زندگی
اشتغال مداوم	اجبار به اشتغال، انجام چند شغل
احساس تنهایی و انزواطلبی	احساس تنهایی، نیاز به همدم، انزواطلبی
محدود شدن روابط	نگاه مردم، حرف مردم، سر زدن به فامیل
مزاحمت دیگران در محیط کار و جامعه	مزاحمت خیابانی، مزاحمت اجتماعی، مزاحمت در محیط کار
پیشنهاد دوستی و ازدواج موقت	پیشنهاد صیغه، پیشنهاد دوستی
سرزنش و اعتراض خانواده به رفتارها	سرزنش خانواده، اعتراض خانواده
فشار خانواده به ازدواج مجدد	فشار خانواده به ازدواج مجدد، اجبار به ازدواج مجدد
خلأ عاطفی پدر	ناتوانی در ایفای نقش پدر، ناراحتی فرزند از نبود پدر
عدم رسیدگی به تربیت فرزند	بی تفاوتی نسبت به تربیت فرزند، نداشتن وقت کافی برای تربیت فرزند، عدم رسیدگی به وظایف مادری

شماره ۲ در این زمینه اشاره کرد: «خونه‌ام/اجاره‌یه... سه تا بچه مدرسه‌ای دارم، خرجشون خیلی زیاده، سرویس مدرسه دارن. تو خونه قالی بافی هم می‌کنم، بازم کم میارم... بعد از طلاقم زحمتم دو برابر شده».

برخی از زنان مطلقه که مهارت چندانی نداشتند، مجبور بودند هر کاری را انجام دهند. مشارکت کننده شماره ۶ بیان نمود: «خیلی بچه بودم که ازدواج کردم. بعد از ازدواج هم نمی‌دونستم قراره کارم به اینجا بکشه، نرفتم مهارتی یاد بگیرم... الان مجبورم هر کاری را انجام بدم... برم خونه مردم کار کنم، تو بیمارستان پرستار بیمار بشم و یا از سالمند نگهداری کنم».

برخی از شرکت کنندگان نیز به دلیل داشتن فرزندان کوچک، فرصت اشتغال و کسب درآمد نداشتند. مشارکت کننده شماره ۱۹ در این باره گفت: «بچم خیلی کوچیکه، باید شیر بخوره، پیش هیچ کی بند نمی‌شه... نمی‌تونم سر کار برم، درامدی هم ندارم... خیلی بهم سخت می‌گذره».

احساس تنهایی و انزواطلبی: بیشتر زنان بعد از طلاق دچار مواردی اختلالاتی مانند افسردگی، احساس تنهایی و گوشه‌گیری، احساس ناامیدی و یأس، عدم مسؤولیت‌پذیری، ضعف روانی و تمایل به سرزنش خود شده بودند. این علایم در حالات شدید می‌تواند به عنوان یک بیماری یا اختلال روانی همچون افسردگی شدید، حالات هیستریک، خودبیمارانگاری و یا بدبینی، باعث ایجاد از هم گسیختگی روانی و اجتماعی این قبیل زنان شود. در مطالعه

به خصوص اگر این زنان شاغل و دارای درآمد هم باشند، کمتر از سایر زنان برای فراهم کردن امکانات اقتصادی دچار مشکل می‌شوند، اما حتی هنگامی که با زنان خودسرپرست صحبت شد، فشار اقتصادی بر روی آنان احساس شد. زنان مطلقه به دلیل نداشتن اشتغال، درامدی نیز ندارند و گاهی تنها منبع درآمد آن‌ها یارانه‌های نقدی دولت و مستمری کمیته امداد می‌باشد. مشارکت کننده شماره ۱۷ در این مورد گفت: «بعد از طلاقم خیلی عصبی شدم و سر کار نمی‌رم و تنها منبع درآمدم، یارانه و مستمری کمیته امداده... خیلی بهم سخت می‌گذره».

شرکت کننده شماره ۱۳ چنین اظهار کرد: «مهم‌ترین مشکل من مشکل اقتصادی... نمی‌تونم از پس خرج تحصیل بچه‌هام بریام، درامدی ندارم، اجاره خونه هم شده رو همش».

اشتغال مداوم: این مقوله شامل چهار مفهوم «اجبار به اشتغال، اجبار به هر شغل، انجام چند شغل، نداشتن فرصت شغلی به خاطر بچه‌ها» بود. زنان مطلقه به دلیل نداشتن سرپرست، درامدی هم ندارند و مجبور هستند برای گذران زندگی کار کنند. مشارکت کننده شماره ۲۲ که دارای یک فرزند محصل بود، بیان نمود: «هیچ درامدی ندارم، بچم مدرسه‌ای است و هیچ کس نیست خرج منو بده... مجبورم برم سر کار تا بتونم از پس زندگیم بریام».

گاهی درآمد حاصل از یک شغل نمی‌تواند تمام مخارج زندگی زنان مطلقه را جبران کند و آنان مجبور هستند در یک زمان به چند شغل، اشتغال داشته باشند. مشارکت کننده

کننده شماره ۲۵ بیان نمود: «بعد از طلاقم دیگه خونه اقوامم نمی‌رم؛ آخه از بچ‌بچ‌شون درگوش هم بدم میاد، فکر می‌کنم همه دارن منو با انگشت به هم نشون می‌دن و می‌گن بین این همون زن طلاق گرفته است».

مشارکت کننده دیگری (شماره ۱۰) در مورد روابط خود با دیگران گفت: "بعد طلاقم خیلی کمتر رفت و آمد می‌کنم آخه با هر که حرف می‌زنم تا یک ذره می‌خندم فکر می‌کنم منظوری دارم و کلی حرف پشتم در میارن."

پیشنهاد دوستی و ازدواج موقت: یکی از مشکلات خاص زنان مطلقه در ایران، احساس ناامنی تعمیم یافته است. این تصور رایج که این گروه از زنان به صورت بالقوه و با توجه به عدم برخورداری از بکارت جسمی (بر خلاف دختران مجرد و یا زنان متأهل)، می‌تواند آزادانه به خواسته‌های جسمی و جنسی مردان تن دهند، باعث شده است که برخی از مردان به آن‌ها بیشتر نظر داشته باشند و با پیشنهادهایی مانند صیغه و دوستی یا روابط جنسی غیر متعارف، آنان را تحت فشار قرار دهند. مشارکت کننده شماره ۶ در این زمینه گفت: «رفته بودم خونه یکی کار کنم، بعد پسر خانواده شماره منو از تو گوشی مامانش در آورده و مدام بهم زنگ می‌زد، ازم می‌خواست باهاش دوست بشم... منم قبول نکردم. اومده بود در خونه شیشه ماشینمو شکسته بود».

فشار خانواده: زنان مطلقه‌ای که بعد از طلاق با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند، یکی دیگر از مشکلاتشان را اعتراض و سرزنش خانواده نسبت به این که چرا از همسرشان جدا شده‌اند، بیان کردند. به همین دلیل، والدین در موقعیت‌های متعدد، زنان را برای ازدواج مجدد تحت فشار قرار می‌دهند. مشارکت کننده شماره ۲۳ که بعد از طلاقش با پدر و مادرش زندگی می‌کرد، مشکل مذکور را چنین عنوان نمود: «هر کی در خونه ما رو می‌زنه، پدر و مادرم اصرار دارن من باهاش ازدواج کنم. همش بهم سرکوفت می‌زنن که چرا از همسرم جدا شدم... خیلی برام سخته».

از طرف دیگر، برخی خانواده‌ها از ترس نگاه و برخورد نامناسب مردم، محدودیت‌هایی را برای زنان مطلقه ایجاد می‌کنند. مشارکت کننده شماره ۱۱ در این باره گفت: «از

حاضر اغلب زنان مورد مصاحبه یکی از مشکلات عمده خود را تنهایی دانستند. یکی از زنان (شرکت کننده شماره ۸) در این باره گفت: «من بعد از طلاق با مادرم زندگی می‌کنم، خانواده‌ام همامو دارند، ولی هنوز احساس تنهایی می‌کنم... هیچ چیز جای یک همدم رو نمی‌گیره».

بیشتر زنان مورد مصاحبه بیان کردند که احساس تنهایی، آن‌ها را به انزوا و افسردگی کشانده است. شرکت کننده شماره ۵ اظهار نمود: «حیلی احساس تنهایی می‌کنم، همش دارم گریه می‌کنم، می‌رم تو اتاق در رو روی خودم می‌بندم آنقدر گریه می‌کنم تا خوابم ببره... فکر می‌کنم افسرده شدم... همش می‌خوام تنها باشم».

مزاحمت دیگران در محیط کار و جامعه: اگرچه

فشار مسایل اقتصادی بر روی زنان مطلقه زیاد است، اما این تنها مشکلی نیست که با آن مواجه هستند. در جوامعی مانند جامعه ما که زن اعتبار اجتماعی و امنیت خود را مدیون مردان خانواده است، زن بدون مرد برای بسیاری از مردان به عنوان یک فرصت و یک بدن بی‌صاحب جلوه می‌کند که قصد تصاحب و کامجویی از آن را دارند. این مسأله در ابعاد متفاوتی نمود یافت. از تقاضای ازدواج‌های نامطلوب و بدون شرایط حقوقی گرفته تا موارد دیگری مانند تقاضای صیغه شدن و گاهی تجاوز نیز ممکن است مشاهده شود. مشارکت کننده شماره ۴ بیان کرد: «هر جا می‌رم و می‌فهمن شوهر ندارم، بهم پیشنهاد صیغه می‌دن... تا توی مدرسه بچه هم این مشکلو دارم، مدیر مدرسه بهم پیشنهاد صیغه داد. منم نمی‌دونستم چه جور جوابشو بدم. از ترس روبه‌رو شدن با اون دیگه نمی‌رم مدرسه احوال درس بچه‌مو بیرسم».

شرکت کننده شماره ۱۶ نیز اظهار داشت: «هر جا می‌رم سر کار تا می‌فهمن شوهر ندارم، بهم پیشنهاد صیغه می‌دن. بعضی هام که از در دوستی درمیان... دیگه از ترس این مسایل سر کار نمی‌رم... سختی بی‌پولی رو به جون می‌خرم».

محدود شدن روابط: زنان مطلقه نگرانی شدیدی

نسبت به قضاوت جامعه نسبت به خویش احساس می‌کنند و این قضاوت بر خودپنداره آنان تأثیر منفی دارد. بنابراین، آن‌ها سعی می‌کنند روابط خود را با اطرافیان کم کنند. مشارکت

بحث

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، طلاق و به دنبال آن مجرد ماندن زنان مطلقه، آسیب‌ها و پیامدهای زیادی را به دنبال دارد. مشکلات اقتصادی، یکی از مهم‌ترین مشکلات زنان مطلقه است. بر اساس الگوی جاافتاده فرهنگی و دینی مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده، زنان مسؤول کارهای خانه هستند و مردان در عرصه اجتماع به فعالیت می‌پردازند. از سوی دیگر، به دلیل نگرش‌های خاص عرفی و ضعف‌های قانونی، اغلب کار در منزل به عنوان شغل دارای درآمد مشخص به حساب نمی‌آید. با وجود چنین نابرابری در نظام اقتصادی خانواده، مشخص است که زنان نسبت به مردان از لحاظ اقتصادی در موقعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌گیرند و این موقعیت در صورت جدایی از همسر، تشدید می‌شود (۱۲). این شرایط سبب شده است تا زنان مطلقه، درآمد پایین و مشکلات مالی فراوانی داشته باشند. آن‌ها اغلب بعد از طلاق حمایت‌های مالی خود را از دست می‌دهند. بنابراین، خودشان مجبور هستند که برای تأمین اقتصادی، مدام مشغول به کار باشند. علاوه بر این، زنان به دلیل این که مسؤول کار منزل و خانه‌داری هم هستند، فرصتی برای مهارت‌یابی و کسب پایگاه شغلی مناسب ندارند و پس از طلاق باید با وجود نداشتن مهارت، دنبال کسب درآمد باشند. همین امر سبب می‌شود زنان به اجبار مشاغل سطح پایین که نیازمند مهارت خاصی نیست (مانند خدماتی منازل، نگهداری و...) و درآمد کمی دارد را انتخاب نمایند. در چنین وضعیتی، درآمد به دست آمده کفاف زندگی آنان را نمی‌دهد و بنابراین، مجبور به افزایش ساعات کاری و یا انتخاب چندین شغل خواهند بود. حسنی و همکاران در تحقیق خود، به افزایش ساعات کاری و مشکلات اقتصادی زنان مطلقه اشاره کردند (۱۳).

صادقی فسایی و ایثاری (۶)، Kavas (۷) و Molina (۱۴) نیز در مطالعات خود، مشکلات اقتصادی زنان مطلقه را گزارش نمودند.

در کنار مشکلات اقتصادی و تلاش زنان مطلقه برای مرتفع کردن آن، آن‌ها درگیر مسایل و مشکلات عاطفی و روانی نیز می‌شوند. این زنان پس از طلاق، فشارهای روانی،

زمانی که از شوهرم جدا شدم، مدام رفت و آمدم کنترل می‌شه. هر جا می‌رم، باید مادرم همراه باشه؛ حتی اجازه ندارم بدون اون به مسجد یا روضه زنونه برم».

خلأ عاطفی ناشی از نبود پدر: یکی از عمده‌ترین مشکلاتی که زنان مطلقه دارای فرزند با آن مواجه می‌باشند، تغییر در روابط والد-فرزندی و دشواری ایفای نقش تک‌والدی توسط زنان مطلقه است. فرزندى که باید در کنار پدر و مادر خود رشد یابد، اکنون مجبور به حضور در کنار مادر است. به طور طبیعی در چنین شرایطی جای خالی پدر خانواده احساس می‌گردد که علاوه بر مشکلات اجتماعی، کمبودهای عاطفه پدری نیز در فرزندان نمود پیدا می‌کند. شرکت کننده شماره ۱۴ که دختری ۱۲ ساله داشت، مشکل مذکور را چنین مطرح کرد: «وقتی عیدها همه افراد خانواده دور هم جمع می‌شن و برادرام کنار بچه‌هاشون هستن و همچنین، شوهر خواهرهام، بچم حسابی تو خودش می‌ره، اصلاً با دختر خاله‌هاش نشست و برخاست نمی‌کنه و هر از گاهی هم به من می‌گه کاش بابا اینجا بود».

عدم رسیدگی به تربیت فرزند: اغلب زنان مطلقه برای رفع مشکلات مالی خود و کسب درآمد کافی، مجبور به انتخاب مشاغلی هستند که مستلزم صرف وقت به مدت طولانی و یا صرف ساعات غیر معمول برای کار است. این شرایط به معنای کمتر بهره‌مند شدن این‌گونه زنان از تجربیات و آموزش‌های تربیتی می‌باشد که تأثیر مستقیمی بر تربیت فرزندان آنان دارد. زنان مطلقه به دلیل این که نان‌آور خانواده هستند، مجبور می‌شوند وقت کمتری را در خانه باشند. بنابراین، فرصتی برای رسیدگی به تربیت فرزند و گاهی حتی محبت کرن به فرزندان را ندارند. مشارکت کننده شماره ۵ که دختر ۹ ساله‌ای داشت، اذعان کرد: «همش سرکارم، اصلاً نمی‌رسم از بچم مراقبت کنم یا به تربیتش برسم... به خاطر همین فرستادمش مدرسه شبانه‌روزی».

مشارکت کننده شماره ۲۲ که یک پسر ۸ ساله داشت، گفت: «همش تو مغازه هستم، نه تعطیلات دارم نه وقت آزادم... دیگه بچمو ول کردم به امون خدا، نه می‌رسم درس باهاش کار کنم نه تربیتش کنم».

شدن زنان مطلقه می‌گردد. نتایج مطالعات حسنی و همکاران (۱۳) و صادقی فسایی و ایثاری (۶) نیز نشان داد که زنان مطلقه به بیماری‌ها و اختلالات روحی- روانی مبتلا می‌شوند.

زنان مطلقه به دلیل مشکلات اقتصادی، مجبور هستند ساعت زیادی از شبانه‌روز را در بیرون از منزل مشغول کار باشند و زمانی هم که به منزل مراجعه می‌کنند، از شدت خستگی و فشارهای روحی- روانی نمی‌توانند ارتباط مناسبی با فرزندانشان برقرار کنند. به عبارت دیگر، به دلیل نداشتن وقت کافی و ذهن آسوده، نمی‌توانند فرزندان را به خوبی مورد محبت قرار دهند و تربیت نمایند. از سوی دیگر، خلأ عاطفی ناشی از فقدان پدر نیز مشکل تربیت فرزندان را تشدید می‌کند که این یافته با نتایج پژوهش صادقی فسایی و ایثاری (۶)، همخوانی داشت.

نتیجه‌گیری

طلاق و عدم ازدواج زنان مطلقه، پیامدها و چرخه‌ای از مشکلات را به دنبال دارد که بر هم اثر می‌گذارد و همدیگر را تقویت می‌کنند؛ به این صورت که مشکلات مالی و اشتغال مداوم زنان و شرایط خاص آنان، سبب ایجاد مزاحمت و پیشنهادهای دوستی در محیط کار و اجتماع می‌گردد و در چنین شرایطی، زنان برای کاهش چنین مشکلاتی، روابط خودشان را با دیگران محدود می‌کنند. همین امر سبب انزوا و تنهایی بیشتر آنان می‌شود. همچنین، بازگشت زنان به خانه پدری، فشارهای اقتصادی و فرهنگی را به خانواده وارد می‌کند و این موضوع، سرزنش خانواده و فشار برای ازدواج مجدد را در پی خواهد داشت. از این‌رو، باید زمینه بازسازی روانی، اقتصادی و اجتماعی زنان مطلقه را تسهیل نمود تا ضمن کاهش فشارهای ناشی از طلاق، شرایط لازم برای ازدواج مجدد زنان مطلقه نیز فراهم شود.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از مشارکت کنندگان و مسؤولان محترم کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر یزد که در انجام این مطالعه همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

احساس تنهایی، انزوا، طردشدگی و عدم درک از سوی اطرافیان را تجربه و تحمل می‌کنند (۱۵). از سوی دیگر، فقدان حمایت‌های اجتماعی نیز منجر به تشدید این مشکلات می‌شود. به طور مثال، نگرش منفی و بی‌اعتمادی نسبت به زنان مطلقه، باعث مخدوش شدن روابط اجتماعی آن‌ها با دیگران می‌شود؛ چرا که یک زن مطلقه که به تنهایی و بدون حضور همسر زندگی می‌کند، از نگاه دیگر زنان به چشم یک عامل تهدید کننده زندگی فعلی نگریسته می‌شود. بنابراین، لازم است از او فاصله گرفت و روابط خود را با او محدود نمود (۱۶). علاوه بر این، خود زنان مطلقه نیز به دلیل نگرانی از قضاوت مردم، روابط اجتماعی خود را محدود می‌کنند. صادقی فسایی و ایثاری در پژوهش خود به مشکلات ارتباطی (۶) و Kavas به مشکلات اجتماعی (۷) این زنان اشاره کرده‌اند. حسنی و همکاران نیز در تحقیق خود، داغ خوردن زنان از سوی اجتماع، احساس تنهایی و بی‌اعتمادی زنان مطلقه به جامعه را عنوان نمودند (۱۳).

علاوه بر نگرش منفی جامعه و بی‌اعتمادی نسبت به این زنان، جنبه دیگر مشکلات اجتماعی، سوء نیت و مزاحمت مردان نسبت به این زنان است. در جوامعی که زن اعتبار و امنیت خودش را مدیون مردان خانواده است، زن بدون مرد به عنوان یک فرصت برای تصاحب و کامجویی برخی مردان جلوه می‌کند. این مسأله در ابعاد مختلف به صورت انواع مزاحمت‌ها و پیشنهاد ازدواج موقت نمود پیدا می‌کند.

خانواده زنان مطلقه نیز برای این که از قضاوت نامناسب مردم (ننگ دانستن طلاق) مصون باشند، سعی می‌کنند کنترل بیشتری را بر روی زنان مطلقه داشته باشند. مواردی همچون کنترل رفت و آمد آن‌ها با اطرافیان، نظارت بر طرز پوشش آن‌ها و حتی ساعات ورود و خروج به منزل، با وسواس بیشتری همراه می‌شود. گاهی نیز با سرزنش و اعلام نارضایتی، اعتراض خود را نسبت به طلاق آنان بیان می‌کنند و بر ازدواج مجدد آن‌ها اصرار می‌ورزند. بنابراین، هنگامی که خواستگاری مراجعه می‌کند، گاهی حتی بدون توجه به شرایط خواستگار، عرصه را بر دختر مطلقه‌شان تنگ می‌کنند که باید ازدواج کند. همین عدم درک و فشار والدین، سبب انزوا و تنهاتر

References

1. Kazemipour, S. Changes in womens age at marriage in Iran. *Woman in Development and Politics (Women's Research)* 2004; 2(3): 103-24. [In Persian].
2. Ismaeili A. Gavahi Shahri F. Research on the causes of delay in the marriage among the girls supported by the Iranian Imam Khomeini Emdad Committee [Research Project]. Tehran, Iran: Deputy of Family Support and Health, Imam Khomeini Emdad Committee; 2012. [In Persian].
3. Malek Mahmoudi Aligoudarzi A. After the divorce. Isfahan, Iran: Hussein Fahmideh Shahid Publications; 2002. [In Persian].
4. Ghodousi A. Evaluation the prevalence and severity of depression in women in divorcing. *Proceedings of the 1st Congress of the Causes and Consequences of Divorce*; 2002 Feb. 21-22; Isfahan, Iran. [In Persian].
5. Mptiee N. Opportunities for children in female headed households. *Women Journal* 1999; 8(53). [In Persian].
6. Sadeghi Fasaei S, Esari M. Gender analysis of life after divorce: A qualitative study. *Women in Development & Politics* 2012; 10(3): 5-30. [In Persian].
7. Kavas S. Post divorce experience of highly educated and professional women [PhD Thesis]. Ankara, Turkey: Middle East Technical University; 2010.
8. Mohammadpour A. Qualitative data analysis: Models and procedures. *Iranian Journal of Anthropology* 2009; 2(10): 127-60. [In Persian].
9. Bazargan A. Introduction to qualitative and mixed methods research. Tehran, Iran: Didar Publications; 2008. [In Persian].
10. Steras H, Corbin J. Principles of qualitative research methods. Trans. Mohammadi B. Tehran, Iran: Humanities and Cultural Studies Institute; 2011. [In Persian].
11. Afrasiabi H, Moradifar T. Meaning reconstruction of life style change among Lor Women in Yasuj city. *Women's Studies* 2015; 13(3): 77-98. [In Persian].
12. Moayedfar S. Iran social issues (Sociology of vulnerable groups and populations). Tehran, Iran: Elm Publications; 2010. [In Persian].
13. Hasani R, Ghodrati H, Amirpour M. The consequences of divorce for the divorced women in Mashhad (A qualitative study). *Journal of Specialized Social Science*: 2014; 11(42): 33-49. [In Persian].
14. Molina O. African American women's unique divorce experiences. *J Divorce Remarriage* 2000; 32(3-4): 93-9.
15. Balali T, Etemadi O, Fatehizadeh M. The study of relationship between psychological factors and demographic characteristics predicting post-divorce adjustment among divorced women in Isfahan. *Counseling Culture and Psychotherapy*: 2011; 2(5): 29-53. [In Persian].
16. Moeidfar S, Hamidi N. Single parent mothers: Untold stories and social pathologies. *Sociological Review* 2009; 15(32): 131-58. [In Persian].

The Double Pressure of Life, the Main Outcome of Divorce on Women: A Qualitative Study

Ashraf Askari-Baghmiyani¹, Seyed Reza Javadian²

Original Article

Abstract

Introduction: Marriage is an important vital event which from social point of view is known as a firm relationship between a man and a woman. Sometimes marriage does not last so much and results in divorce. Usually after separation, divorced woman do not like to marry again which this subject has many problems and results. So, this research was done to study these problems and results.

Method: This was a qualitative research in the kind of grounded theory. The study population was the society of divorced women in ages of 20 to 45 years old covered by Yazd City, Iran, Imam Khomeini Emdad Committee, of which, 25 persons were selected using aimed sampling method. The method of collecting data was semi-structured interviews which was recorded, rewritten, and analyzed the content with the agreement of them.

Results: 27 contents and 10 topics (basic topics) were extracted. The topics included “low income and financial problems”, “continuous occupation”, “loneliness and seclusion”, “relationship limitations”, “inconvenience of others in the society and working environment”, “offering friendship and temporary marriage”, “family reproach and object of the behaviors”, “family pressure for remarriage”, “lack of father's kindness”, and “non-investigation of children's training”. The topic of “life pressure” became a fundamental topic.

Conclusion: Not getting remarriage and the lonely lives of divorced women create many problems and results. These problems like links reinforce each other and place the women in double pressure. So, remaking the psychic, social, and economic subjects for divorced woman after separation and forcing them to remarriage is suggested to reduce the result and outcomes.

Keywords: Outcome, Problem, Divorce, Women, Remarriage

Citation: Askari-Baghmiyani A, Javadian SR. **The Double Pressure of Life, the Main Outcome of Divorce on Women: A Qualitative Study.** J Qual Res Health Sci 2017; 6(4): 427-36.

Received date: 13.07.2016

Accept date: 07.12.2016

1- MSc Student, Department of Counseling and Guidance, School of Humanities Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

2- Assistant Professor, Department of Sociology, School of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Corresponding Author: Seyed Reza Javadian, Email: javadian@yazd.ac.ir